



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۳۵

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادت

بعد از بیان چند قاعده عامه درباره ادله محرز، وارد بحث از ادله محرز می‌شویم که این بحث را در دو بخش: ادله محرز شرعی و عقلی مورد بررسی قرار خواهیم داد؛ ابتدا وارد بحث از تحدید دلالات دلیل لفظی، شده و دلالت‌های عامی را که برای دلیل لفظی وجود دارد، مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ البته قبل از ورود در بحث، اقسام دلالت و فرق میان آنها را در این درس، مورد بررسی قرار خواهیم داد. به عبارت دیگر، دلالت را بر سه قسم تصوری و تصدیقی اول و تصدیقی ثانی تقسیم نموده و هر یک را در ضمن مثال توضیح خواهیم داد.

١. تحديد دلالات الدليل الشرعي

١. الدليل الشرعي اللفظي

٢. الدليل الشرعي غير اللفظي

الدليل الشرعي اللفظي

تمهيد

لَمَّا كَانَ الدَّيْلُ الشَّرْعِيُّ اللفظيُّ يَتِمُّثَلُ فِي أَفْظَاحٍ يَحْكُمُهَا نِظَامُ اللُّغَةِ، نَاسِبَ ذَلِكَ أَنْ نَبْحَثَ فِي مُسْتَهْلِ الْكَلَامِ عَنِ الْعِلَاقَاتِ اللُّغَوِيَّةِ بَيْنَ الْأَفْظَاحِ وَالْمَعْنَى، وَنَصْنِفَ اللُّغَةَ بِالصُّورَةِ الَّتِي تَسَاعَدُ عَلَى مِمَارَسَةِ الدَّيْلِ اللفظيِّ وَالتَّمْيِيزِ بَيْنَ دَرَجَاتِ مِنَ الظُّهُورِ اللفظيِّ.

الظهور التصوري و الظهور التصديقي

إِذَا سَمِعْنَا كَلِمَةً مُفْرَدَةً كَالْمَاءِ مِنْ آلَةٍ، انْتَقَلَ ذَهْنُنَا إِلَى تَصَوُّرِ الْمَعْنَى، وَكَذَلِكَ إِذَا سَمِعْنَا مِنْ إِنْسَانٍ مَلْتَفَتٌ، وَ لَكُنَّا فِي هَذِهِ الْحَالَةِ لَا نَتَصَوَّرُ الْمَعْنَى فَحَسَبَ بَلْ نَسْتَكْشِفُ مِنَ اللفظِ أَنَّ الْإِنْسَانَ قَصَدَ بِتَلْفُظِهِ أَنْ يُخْطِرَ ذَلِكَ الْمَعْنَى فِي ذَهْنِنَا، بَيْنَمَا لَا مَعْنَى لِهَذَا الِاسْتِكْشَافِ حِينَمَا تَصْدُرُ الْكَلِمَةُ مِنْ آلَةٍ. فَهَنَّاكَ إِذَا دَلَّاتَانِ لِكَلِمَةِ «الْمَاءِ».

إِحْدَاهُمَا: الدَّلَالَةُ الثَّابِتَةُ حَتَّى فِي حَالَةِ الصَّدُورِ مِنْ آلَةٍ، وَ تَسْمَى بِالدَّلَالَةِ التَّصَوُّرِيَّةِ.

وَالْأُخْرَى: الدَّلَالَةُ الَّتِي تَوْجَدُ عِنْدَ صُدُورِ الْكَلِمَةِ مِنَ الْمُتَلَفِّظِ الْمَلْتَفَتِ، وَ تَسْمَى بِالدَّلَالَةِ التَّصْدِيقِيَّةِ. وَ إِذَا ضَمَّ الْمُتَلَفِّظُ الْمَلْتَفَتُ كَلِمَةً أُخْرَى فَقَالَ: «الْمَاءُ بَارِدٌ»، اسْتَكْشَفْنَا أَنَّهُ يَرِيدُ أَنْ يُخْطِرَ فِي ذَهْنِنَا مَعْنَى «الْمَاءِ» وَ مَعْنَى «بَارِدٌ» وَ مَعْنَى جُمْلَةٍ «الْمَاءُ بَارِدٌ» كَكُلِّ.

و لَكِنْ لِمَاذَا يَرِيدُ أَنْ نَتَصَوَّرَ ذَلِكَ كُلَّهُ؟

وَالْجَوَابُ: إِنَّ تَلْفُظَهُ بِهَذِهِ الْجُمْلَةِ يَدُلُّ عَادَةً عَلَى أَنَّ الْمُتَكَلِّمَ يَرِيدُ بِذَلِكَ أَنْ يُخْبِرَنَا بِبُرُودَةِ الْمَاءِ وَ يَقْصِدُ الْحِكَايَةَ عَنْ ذَلِكَ، بَيْنَمَا فِي بَعْضِ الْحَالَاتِ لَا يَكُونُ قَاصِدًا ذَلِكَ كَمَا فِي حَالَاتِ الْهَزْلِ، فَإِنَّ الْهَازِلَ لَا يَقْصِدُ إِلَّا إِخْطَارَ صُورَةِ الْمَعْنَى فِي ذَهْنِ السَّامِعِ فَقَطْ، عَلَى خِلَافِ الْمُتَكَلِّمِ الْجَادِّ.

فَالْمُتَكَلِّمُ الْجَادُّ حِينَمَا يَقُولُ: «الْمَاءُ بَارِدٌ» يَكْتَسِبُ كَلَامُهُ ثَلَاثَ دَلَالَاتٍ، هِيَ: الدَّلَالَةُ التَّصَوُّرِيَّةُ الْمُتَقَدِّمَةُ، وَ الدَّلَالَةُ التَّصْدِيقِيَّةُ الْمُتَقَدِّمَةُ (و لِنَسْمِيَهَا بِالدَّلَالَةِ التَّصْدِيقِيَّةِ الْأُولَى)، وَ دَلَالَةٌ ثَالِثَةٌ هِيَ الدَّلَالَةُ عَلَى قَصْدِ الْحِكَايَةِ وَ الْإِخْبَارِ عَنْ بُرُودَةِ الْمَاءِ، وَ تَسْمَى بِالدَّلَالَةِ عَلَى الْمَرَادِ الْجَدِّيِّ، كَمَا تُسَمَّى بِالدَّلَالَةِ التَّصْدِيقِيَّةِ الثَّانِيَّةِ.

وَأَمَّا الْهَازِلُ حِينَ يَقُولُ: «الْمَاءُ بَارِدٌ» فَلِكَلَامِهِ دَلَالَةٌ تَصَوُّرِيَّةٌ وَ دَلَالَةٌ تَصْدِيقِيَّةٌ أُولَى دُونَ الدَّلَالَةِ التَّصْدِيقِيَّةِ الثَّانِيَّةِ؛ لِأَنَّهُ لَيْسَ جَادًّا وَ لَا يَرِيدُ الْإِخْبَارَ حَقِيقَةً، وَ أَمَّا الْآلَةُ حِينَ تَرَدَّدُ الْجُمْلَةُ ذَاتَهَا فَلَيْسَ لَهَا إِلَّا دَلَالَةٌ تَصَوُّرِيَّةٌ فَقَطْ. وَ هَكَذَا أَمَكُنَ التَّمْيِيزُ بَيْنَ ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ مِنَ الدَّلَالَةِ.

دلیل شرعی لفظی

اغلب احکام شریعت مقدس اسلام از طریق الفاظ و کلمات به دست ما رسیده است، و شریعت اسلام از خلال این الفاظ به ما منتقل می‌شود؛ لذا شناخت رابطه بین الفاظ و معانی آن‌ها و تشخیص درجات ظهور الفاظ و امور دیگری که فقیه را بر استنباط حکم شرعی مساعدت می‌کند، برای فقیه لازم و ضروری است؛ هر چند که این مباحث، مربوط به علم لغت می‌شود؛ اما از آن‌جا که این‌گونه مباحث (که برای اصولی مهم است) در علم لغت موجود، مورد بحث قرار نگرفته، اصولی ناچار است که در ابتدای مباحث اصولی، متعرض این‌گونه مباحث شود.

تطبیق

لَمَّا كَانَ الدَّلِيلُ الشَّرْعِيُّ اللَّفْظِيُّ يَتِمُّثَلُ فِي الْأَفْظِ يَحْكُمُهَا نِظَامُ اللَّغَةِ،

از آن‌جا که دلیل شرعی لفظی، در الفاظی نمایان‌گر می‌شود که یک نظام لغوی عام بر آن الفاظ حاکم است، (یعنی این لغات و الفاظ، بر اساس روش‌های عمومی یک لغت منسجمی مثل زبان عربی به کار گرفته می‌شود)

نَاسِبٌ^۱ ذَلِكَ أَنْ نَبْحَثَ^۲ فِي مُسْتَهْلِ الْكَلَامِ^۳ عَنِ الْعِلَاقَاتِ اللَّغَوِيَّةِ بَيْنَ الْأَلْفَاظِ وَالْمَعَانِي

مناسبت دارد که در مورد دلیل شرعی لفظی، در ابتدا و آغاز کلام، از روابط لغوی بین الفاظ و معانی بحث کنیم.

و نَصْنَفُ^۵ اللَّغَةَ بِالصُّورَةِ^۶ الَّتِي تَسَاعَدُ عَلَى مِمَارَسَةِ الدَّلِيلِ اللَّفْظِيِّ^۷ وَ التَّمْيِيزِ بَيْنَ دَرَجَاتِ مَنِ الظُّهُورِ اللَّفْظِيِّ.

و لغت را به گونه‌ای تقسیم و دسته‌بندی کنیم که به بررسی و تطبیق دلیل لفظی و تمییز بین درجات ظهور لفظی، کمک رساند.

Sco1:6:01

ظهور تصویری و تصدیقی

اگر کسی کلمه‌ای را بشنود در حالی که علم به وضع آن کلمه برای معنای معینی دارد، به محض شنیدن، معنای آن به ذهن او خطور خواهد کرد؛ مثلاً کسی که عالم به لغت عربی و وضع لفظ «ماء» برای آب می‌باشد، به محض شنیدن کلمه «ماء»، معنای آن به ذهنش خطور می‌کند و فرقی نمی‌کند که این لفظ را از شخص عاقل مختاری بشنود و یا از یک مجنون و یا از یک عروسک کوکی، که در تمام این موارد به صرف شنیدن لفظ، در صورت عالم بودن به وضع آن برای معنای معینی، (که این نوع دلالت در اصطلاح، دلالت تصویری نامیده می‌شود)، آن معنا به ذهن می‌آید.

ارکان دلالت تصویری

پس دلالت تصویری حاصل از دو قید و رکن می‌باشد:

^۱ . جواب «لَمَّا».

^۲ . مشاراَلیه: دلیل شرعی لفظ؛ مفعول «نَاسِبٌ».

^۳ . تأویل به مفرد رفته و فاعل ناسب می‌باشد.

^۴ . یعنی: آغاز کلام.

^۵ . یعنی تقسیم و دسته‌بندی کنیم.

^۶ . متعلق به «نبحث» و «نصنف» می‌باشد

^۷ معطوف علیه: ممارسه.

۱. وضع لفظ برای یک معنا.
 ۲. علم سامع به وضع لفظ برای آن معنا.
- و قید و رکن دیگری در دلالت تصویری دخالت ندارد؛ لذا از این دلالت، به دلالت وضعیه و یا دلالت لفظیه تعبیر می‌کنند؛ زیرا حقیقت این دلالت، انتقال از لفظ به معنای موضوع^۱ له می‌باشد.

دلالت تصدیقی

در قبال دلالت تصویری، دلالت دیگری به نام دلالت تصدیقی وجود دارد که دلالت تصدیقی خود بر دو قسم است:

الف) دلالت تصدیقی اولی

گاهی برای الفاظ علاوه بر دلالت تصویری، ظهور دیگری نیز وجود دارد که ذهن انسان به آن منتقل می‌شود. در این دلالت، قید و رکن دیگری به قیود و ارکان دلالت تصویری اضافه می‌شود؛ مثلاً اگر متکلمی بگوید: «الماء بارد» که از دو لفظ «ماء» و «بارد» تشکیل شده است و سامع بداند که لفظ ماء برای آب و بارد برای صفت «سردی» وضع شده است، به محض شنیدن، به معنای آن الفاظ منتقل می‌شود؛ حال، اگر سامع بداند که متکلم عاقل است و با توجه، این جمله را گفته و می‌خواسته معنای این الفاظ را به ذهن او منتقل نماید، «دلالت تصدیقی اولی» حاصل می‌شود.

ارکان دلالت تصدیقی اولی

پس دلالت تصدیقی اولی، حاصل از سه قید و رکن می‌باشد:

۱. وضع الفاظ برای معنای معین.
 ۲. علم سامع به وضع لفظ برای این معنا.
 ۳. عاقل و ملتفت بودن متکلم و اراده^۲ خطوط معنی در ذهن سامع.
- لذا جمله «الماء بارد» دارای دو دلالت است: یکی دلالت تصویری که از دو رکن اول حاصل می‌شود و دیگری دلالت تصدیقی اولی که از مجموع سه رکن مذکور به دست می‌آید.

تطبیق

إِذَا سَمِعْنَا كَلِمَةً مُفْرَدَةً كَالْمَاءِ مِنْ آلَةٍ، انْتَقَلَ ذَهْنُنَا إِلَى تَصَوُّرِ الْمَعْنَى، وَ كَذَلِكَ إِذَا سَمِعْنَا مِنْ إِنْسَانٍ مُلْتَفِتٍ
اگر کلمه مفردی را از آلتی (مثل عروسک اسباب بازی بشنویم) ذهن ما به تصور معنای آن منتقل می‌شود و همچنین است
اگر آن کلمه را از انسان ملتفتی بشنویم؛
و لَكِنَّا فِي هَذِهِ الْحَالَةِ لَا نَتَصَوَّرُ الْمَعْنَى فَحَسَبَ بَلْ نَسْتَكْشِفُ مِنَ اللَّفْظِ أَنَّ الْإِنْسَانَ قَصَدَ بِتَلَفُّظِهِ أَنْ يُخْطِرَ ذَلِكَ الْمَعْنَى فِي
ذهننا،

و لکن در این صورت (که کلمه را از انسان ملتفتی شنیده‌ایم) فقط معنای آن را تصور نمی‌کنیم، بلکه از لفظ، کشف می‌کنیم که انسان متکلم با تلفظ این لفظ، قصد نموده است که معنای آن لفظ را به ذهن ما منتقل کند.
بینما لا معنی لهذا الاستکشافِ حینما تصدرُ الکلمةُ من آلةٍ. فهناک إِذَا دَلَّتَانِ لِكَلِمَةِ «الماء».

در حالی که معنایی برای این گونه کشف (کشف این که متکلم، قصد انتقال معنای آن لفظ را به ذهن ما داشته است) در جایی که این کلمه از آلتی (مانند عروسک) صادر شود، حاصل نمی‌شود؛ پس در این جا دو دلالت برای کلمه «ماء» وجود دارد:

إحدهما: الدلالة الثابتة حتى في حالة الصدور من آلة، و تسمى بالدلالة التصورية.

یکی از این دو دلالت، دلالتی است که برای لفظ ثابت است؛ و لو که این لفظ از آلتی (مانند عروسک) صادر شود که این دلالت، دلالت تصویری نامیده می‌شود.

و الأخرى: الدلالة التي توجد عند صدور الكلمة من المتلفظ الملتفت، و تسمى بالدلالة التصديقية.

و دلالت دیگر، دلالتی است که در هنگام صدور این کلمه از انسان ملتفت حاصل می‌شود و دلالت تصدیقیه نام می‌گیرد.

Scot: ۱۴: ۴۲

ب) دلالت تصدیقی ثانیه

دو نوع دلالت برای الفاظ بیان نمودیم یکی «دلالت تصویری» و دیگری «دلالت تصدیقی اولی» اما علاوه بر «دلالت تصدیقی اولی»، دلالت تصدیقی دیگری نیز وجود دارد که با اضافه شدن قید و رکنی دیگر به قیود دلالت تصدیقی اولی حاصل می‌شود که «دلالت تصدیقی ثانیه» نامیده می‌شود.

توضیح: اگر جمله «الماء بارد» از متکلم عاقل ملتفتی که اراده انتقال معنای این جمله را در ذهن سامعی که علم به وضع این الفاظ برای معانی معین دارد، صادر شود، «دلالت تصویری» و «دلالت تصدیقی اولی» برای سامع حاصل خواهد شد؛ حال اگر سامع بداند که متکلم، صرف انتقال این معانی را به ذهن سامع اراده نکرده است؛ بلکه با این جمله خواسته از واقع نیز خبر بدهد، دلالت تصدیقی ثانیه برای سامع حاصل خواهد شد؛ اما اگر متکلم قصد اخبار از واقع را نداشته باشد مانند کسی که شوخی می‌کند (هازل)، کلام او فاقد «دلالت تصدیقی ثانیه» است.

ارکان دلالت تصدیقی ثانیه

پس دلالت تصدیقیه ثانیه از چهار رکن حاصل می‌شود:

۱. وضع الفاظ برای معنای معین.
 ۲. علم سامع به معنای موضوع له الفاظ.
 ۳. عاقل و ملتفت بودن متکلم و اراده خطوط معنی در ذهن سامع.
 ۴. متکلم از این جمله، اراده اخبار از واقع داشته باشد.
- پس وقتی که متکلم جاد می‌گوید: «الماء بارد» سه دلالت برای این جمله وجود دارد:
۱. دلالت تصویری که از ضمیمه دو رکن اول حاصل می‌شود.
 ۲. دلالت تصدیقی اولی که از مجموع سه قید اول حاصل می‌شود.
 ۳. دلالت تصدیقی ثانیه که از مجموع چهار قید مذکور حاصل می‌شود.

اختصاص اتصاف به صدق و کذب، به دلالت تصدیقی ثانیه

نکته قابل توجه در این جا این است که: اتصاف کلام متکلم به صدق و کذب با توجه به دلالت تصدیقیه ثانیه می باشد و دلالت تصویری و تصدیقی اولی قابل اتصاف به صدق و کذب نیستند؛ زیرا در این دو دلالت، اخباری از واقع وجود ندارد که به سبب مطابقت آن با واقع، متصف به صدق و در صورت عدم مطابقت آن با واقع، متصف به کذب شوند.

تطبیق

و إذا ضمَّ المتلفظُ الملتفتُ كلمةً أخرى فقال: «الماءُ باردٌ»، استكشفنا أنه يريدُ أن يخطرَ في ذهننا معنى «الماء» و معنى «بارد» و معنى جملة «الماءُ باردٌ» ککل^۱.

و زمانی که متکلم ملتفت، کلمه دیگری را به کلمه «ماء» اضافه کند، پس بگوید: «الماء بارد» کشف می کنیم که این متکلم اراده کرده سه معنا را به ذهن ما انتقال دهد؛ یکی معنای «ماء» و دیگری معنای «بارد» و سومی معنای مجموعه جملة «الماء بارد» را.

و لكن لماذا يريدُ أن نتصورَ ذلك كله؟

ولكن سؤالی که مطرح می شود، این است که چرا متکلم خواسته این معانی را به ذهن ما منتقل نماید؟ و الجواب: إن تلفظه بهذه الجملة يدلُّ عادةً^۲ على أنَّ المتكلمَ يريدُ بذلك أن يخبرنا ببرودة الماء و يقصدُ الحكايةَ عن ذلك جواب این سؤال این است که: تلفظ انسان ملتفت به این جملة «الماء بارد» عادتاً دلالت بر این دارد که متکلم قصد داشته که به ما از سردی آب، خبر دهد و خواسته است که برودت و سردی آب را برای ما حکایت کند. بینما فی بعض الحالات لا يكونُ قاصداً ذلك كما فی حالات الهزل، فإنَّ الهازل لا يقصدُ إلَّا إخطارَ صورةِ المعنى فی ذهن السامع فقط، على خلاف المتكلم الجاد.

اما گاهی اوقات متکلم چنین قصدی (قصد اخبار از واقع) ندارد (بلکه فقط قصد دارد که صرف معنا را به ذهن ما انتقال دهد)؛ چنان که در حالات شوخی چنین است و انسانی که قصد شوخی دارد، فقط قصد انتقال معنا را به ذهن ما دارد، به خلاف متکلم جدی.

فالمتكلم الجاد حينما يقول: «الماءُ باردٌ» يكتسبُ كلامه ثلاثَ دلالات.

پس متکلم جاد وقتی که می گوید: الماء بارد، کلام او سه دلالت به خود می گیرد:

هی: الدلالةُ التصوریةُ المتقدِّمةُ، و الدلالةُ التصدیقیةُ المتقدِّمةُ (و لنسمَّها بالدلالةِ التصدیقیةِ الأولى)

و این دلالات عبارتند از: یکی دلالت تصویری که توضیح آن بیان شد و دیگری دلالت تصدیقیه ای بود که آن هم بیان شد و باید آن را «دلالت تصدیقیه اولی» نامگذاری کنیم.

و دلالةُ ثالثةٌ هی الدلالةُ على قصدِ الحکایةِ و الإخبارِ عن برودةِ الماء، و تسمَّى بالدلالةِ على المرادِ الجدِّي، كما تسمَّى بالدلالةِ التصدیقیةِ الثانيةِ.

^۱ یعنی می خواهد معنای جملة «الماء بارد» را به عنوان یک مجموعه مرتبط به هم، به ذهن ما منتقل کند.

^۲ زیرا متکلم هر وقت بخواهد در مقام اخبار از واقع نباشد قرینه ای بر مراد خود اقامه می کند و گر نه به حسب ظهور حالی و عادت، هر متکلمی قصد اخبار از واقع را دارد.

و دلالت سومی هم وجود دارد که دلالت بر قصد حکایت و اخبار از سردی آب می‌باشد و «دالت بر مراد جدی» نامیده می‌شود، همان‌گونه که «دالت تصدیقه ثانیه» نامیده می‌شود.

و أمّا الهازلُ حين يقولُ: «الماءُ باردٌ» فلکلامه دلالةٌ تصوّريّةٌ و دلالةٌ تصدیقيّةٌ أولى دونَ الدلالةِ التصدّيقيةِ الثانية؛ لأنّه ليس جاذّاً و لا يريدُ الإخبارَ حقيقةً.

و اما شخصی که در مقام شوخی است زمانی که می‌گوید: «الماء بارد» پس برای کلامش فقط دلالت تصویری و دلالت تصدیقیه اولی وجود دارد، نه دلالت تصدیقیه ثانیه؛ زیرا شخص هازل، جدی نیست و اراده اخبار از واقع را ندارد.

و أمّا الآلةُ حين تردّدُ الجملةَ ذاتها فليس لها إلّا دلالةٌ تصوّريّةٌ فقط. و هكذا أمکن التمييزُ بين ثلاثةِ أقسامٍ من الدلالة.

و اما اگر این جمله از آلتی (مانند عروسک) صادر شود، فقط دلالت تصویری برای آن خواهد بود و این‌گونه ممکن است بین اقسام دلالت تمیز بدهیم. (یعنی هر یک از اقسام سه گانه دلالت را از دو قسم مشخص نماییم).

Score: ۲۹:۵۳

۱. دلالت تصویری عبارت است از: انتقال ذهن سامع به معنای موضوع^۹ له لفظ؛ که از دو رکن حاصل می‌شود: الف) وضع لفظ برای معنای معین.

ب) علم سامع به وضع لفظ برای آن معنا.

۲. دلالت تصدیقیه بر دو قسم می‌باشد:

قسم اول: دلالت تصدیقی اولی: در این نوع دلالت، علاوه بر ارکان دلالت تصویری، رکن دیگری نیز وجود دارد که عبارت است از: قصد متکلم از انتقال معنای لفظ به ذهن سامع.

قسم دوم: دلالت تصدیقی ثانیه (دلالت بر مراد جدی)

در این نوع از دلالت تصدیقی، علاوه بر ارکان دلالت تصدیقی اول، رکن دیگری نیز وجود دارد که عبارت است از این که: متکلم قصد جدی و اخبار از واقع داشته است.